

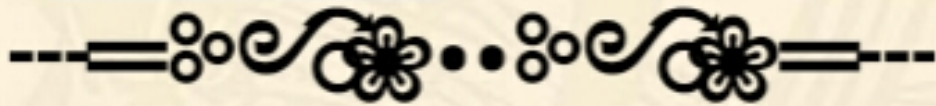
﴿هو الحکیم﴾

عنوان:

احاطہ ہی علمے امام رضا علیہ السلام بہ ہمہ زبان ہا

سخنران:

دکترو وحید باقر پور کاشانے



• اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لِيْ وَلِيَّكَ الْفَرَجَ •

کسانی هستند که الان مدعی مهدویت هستند، اما چون توان این‌رو ندارند که به زبان‌های مختلف صحبت بکنند، بیش از صد حدیثی که در این خصوص از ائمه‌ی معصومین آورده که فرمودند؛ ما به تمام گویش‌ها و زبان‌ها می‌توانیم صحبت بکنیم، این‌ها رو میاد رد می‌کنه. حالا این‌رو من توضیح میدم، تعدا این‌رو من انتخاب کردم. خب در کتاب مدینه المعجزه؛ این مدینه المعجزه، معجزات ائمه‌ی معصومین رو جمع کرده مرحوم سید هاشم بحرانی متکلم و محدث بزرگ در این کتاب مدینه المعجزه، در این خصوص در صفحه‌ی ۲۴۳، فضیلت ۲۴ که از حضرت رضا علیه‌السلام گزارش می‌کنه که این فضیلت رو مرحوم شیخ صدوق در عیون اخبار رضا هم آورده‌اند، می‌گه روایت شده با اسناد از یاسر خادم امام رضا علیه‌السلام که می‌گوید در منزل امام رضا دو غلام ترکی و رومی بودند؛ ترکی، رومی. روزی امام رضا نزدیک آن‌ها بود، که آن دو با زبان رومی و ترکی باهم‌دیگه سخن می‌گفتن. خب به گمان این‌که حضرت رضا عرب هست دیگه، حرف‌های این‌ها رو نمی‌شنوه و با خود می‌گفتن: هر سال در دیار خودمون، خون اضافی بدن خودمون رو خارج می‌کردیم! فصد می‌کردیم، این رگ رو می‌زنن که، الانم هست، که خون زائد خارج می‌شه، و به اصطلاح رگ خودمون رو می‌زدیم ولی امسال نمی‌تونیم چنین کاری رو بکنیم.

راوی می‌گه؛ روز بعد امام رضا به یکی از اطباء فرمود، فلان شخص رو و فلان شخص رو، در فلان جا فصد کن. یه مقدار رگش رو بزنه که این خون‌های زائد بخواد خارج بشه. راوی می‌گه: امام رضا به من فرمود ای یاسر، حالا این یاسر خادم امام رضا هست ها، ای یاسر تو چنین کاری رو نکن، من این طبیب رو فرستادم این دوتارو رگ‌هاشون رو بزنه، تو این کارو نکن زیرا اگه رگ خودتو زدی به چیزی مبتلا خواهی شد، مریض خواهی شد، دچار مشکل می‌شی.

یاسر می‌گه؛ من حرف‌های امام رضا رو گوش ندادم، گفتم بالاخره زمینه هست و به تعبیر ما یک طبیب مفت، بله مفت باشه کوفت باشه، به قول یک جمعی می‌گن!! گفتم آقا حالا که این دوتارو می‌خواد فصد بکنه، مال مارو هم بکنه. می‌گه من حرف‌های امام رضا رو جدی نگرفتم و رگم رو زدم، در همون وقت می‌گه؛ دستم ورم کرد، سرخ شد، دیدم حال این دست و وضعیعت من به هم ریخت. امام رضا به من فرمود که؛ تا دستم رو دید گفت: چرا دستت ورم کرده؟ چرا این‌طوری شده؟

عرض کردم: آقا حرف‌های شمارو جدی نگرفتم، اون دوتارو که فصد کردن ماهم گفتیم فصد کنیم. امام رضا به من فرمودند: مگر به تو نگفتم که این کارو نکن؟ یعنی ببینید آقا علی بن موسی الرضا می‌داند که یک عمل رو برای یک نفر مناسب هست، برای دو نفر، برای این مناسب نیست. یعنی اشراف علمی امام رضا حتی به سیستم بدنی غلام خودشون. می‌گه بعد گفتم این کارو نکن، آقا مقداری از آب دهان مبارک خودشون روی دستم مالیدند و با دست مبارک خویش روی دستم کشیدند، در همان لحظه خوب شد و نیز به من سفارش کرد که هیچ‌گاه شام نخورم. الان که با این وضعیت هست شام نخورم، زیرا اگر شام بخورم مبتلا به درد می‌شوم و من نیز شام نمی‌خوردم و هر گاه غافل می‌شدم و شام می‌خوردم، دوباره دستم درد می‌گرفت! اون حالت به من برمی‌گشت. خب چند بحث هست در این حدیث؛ اول آقا به گویش و زبان ترکی و رومی اشراف داره، دوم اشراف علمی داره که یک عمل برای دو نفر خوب هست برای تو بد هست، سوم وقتی که این بیمار می‌شه و دستش به این وضعیت هست آقا شفا می‌ده دستش رو، با آب دهن و دستی که می‌کشند. سه ویژگی در ارتباط با این روایتی که مرحوم سید هاشم بحرانی آوردند وجود داره، این یک روایت.

روایت دیگر در صفحه‌ی ۲۶۵ هست. در خصوص همین ویژگی حضرت، فضیلت ۴۹، می‌گه روایت شده با اسناد از اسماعیل سندی که می‌گه من در شهر سند هندوستان بودم و شنیدم خداوند در عرب حجتی دارد، به همین دلیل شهر و دیار خودم را در پی حجت خدا ترک کردم و از دیگران در مورد حجت خدا پرس و جو کردم. تا وقتی که من را به امام رضا علیه‌السلام راهنمایی کردند. نزد آن بزرگوار رفتم و با ایشان به زبان سندی حرف زدم، خب عربی بلد نبوده، دنبال حجت خداهم گشته، امام رضا رو گیر آورده. و ایشان با همان لغت، دقت بفرمایید، و لهجه‌ای که من داشتم با من صحبت می‌کردند.

مثل این می‌مونه که یک نفر مثلا بیاد ایران، کاشان هم که بره با همون لهجه‌ی کاشانی، اصفهان هم که بره، ایرانه‌ها، با لهجه‌ی اصفهانی، مشهد که میاد با لهجه‌ی مشهدی، یزد که میره با لهجه‌ی یزدی، می‌گه آقا با همان لغت و لهجه‌ای که من داشتم با من صحبت کردند، تا وقتی که به ایشان عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، من در سند هندوستان بودم و شنیده‌ام خداوند در عرب حجتی دارد. پس من شهر و دیار خودم را ترک کردم و نزد شما اومدم. از خداوند بخواهید که به من زبان عربی بیاموزد.

خب این زبان عربی خیلی سخت هست، یکی از چیزهایی که از حضرت رضا می‌خواد بله این جمع میدونن! این زبان عربی چقدر مشکل هست، بله ایشون می‌گه که زبان عربی را بیاموزم تا بتوانم با این زبان با عرب حرف بزنم و قرآن کریم رو با زبان عربی تلاوت کنم. به تعبیری بفهمم. راوی می‌گه؛ امام رضا دست مبارک خویش را روی دهنم گذاشت، دست رو گذاشتن رو دهانم و آن را کشید و یک‌باره شروع کردم با عربی حرف زدن و آن‌هم زبان فصیح عربی، و از آن موقع تا به حال به زبان عربی می‌توانم گویش کنم، به صورت فصیح! خب ببینین، این دوتا مسئله هست این‌جا، یکی آقا علی بن موسی‌الرضا اشراف داره نسبت به چی؟ به این بابایی که مال سند هندوستان بوده و همان لهجه و گویش و زبان، دوم کرامت دیگه‌ای که آقا عنایتی می‌کنن، عربی یک نفر بخواد فصیح صحبت بکنه چقدر طول می‌کشه؟ ده سال شاید طول بکشه، عربی سخت هست، فصیح بخواد صحبت بکنه یک نفر. به آنی این عربی یاد می‌گیره و به صورت فصیح می‌تونه صحبت بکنه. خب این‌هم پس روایت دوم.

روایت سوم در صفحه‌ی ۳۱۹ فضیلت ۱۲۱، روایت شده
با اسناد از اباصلت هروی که می‌گه؛ امام رضا با مردم
شهرها با زبان و لهجه‌ی آن‌ها سخن می‌گفت و گویا
ایشان بهتر از آن‌ها به زبان و لهجه‌شان آگاه بود. روزی
به ایشان عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، من از آشنایی
شما به زبان‌ها و لغات بسیار متعجب شدم، چگونه
می‌توانید به این خوبی با مردم سخن بگویید؟ ایشان
فرمود: ای اباصلت، به راستی که من حجت خدا هستم.
دقت بکنین، از شئون‌ات حجة الله هست، به راستی که
من حجت خدا هستم و به راستی که خداوند حجتش را
نزد قومی نمی‌فرستد، مگر این‌که به زبان و لهجه و لغت
آن قوم مسلط باشد. یعنی من در ارتباط با هرکسی و هر
شهری و هر فردی که قرار می‌گیرم من حجت‌ام، حجت
به کل زمین هستم، باید بتونم با این ارتباط برقرار بکنم.
این از شئون‌ات حجت الله هست. بعد فرمودند: آیا سخن
جدم، امیرالمومنین علی بن ابی طالب به گوش تو نرسیده
که فرمودند که نزد ما است فصل الخطاب؛ آیا فصل
الخطاب جز معرفت لغات و زبان‌ها است؟

حالا این جا من این نکته‌ای رو تعمداً گفتم، فضائل علمی نسبت به حضرت رضا فراوان هست، اینه که خب چند سالی هست، بیست ساله یک فردی به اسم احمد الحسن، در عراق هم ایشان بوده و مدعی هست که اون یمانی موعود منم! و مدعی هست که فرزند به واسطه‌ی ولی عصر من هستم! و ادعا داره که بعد از امام زمان دوازده تا مهدی خواهد آمد! و من جانشین امام زمان هستم! و اون قائمی که وقتی دنیا پر از ظلم و جور شده، اون قائم عدالت رو برقرار می‌کنه، من هستم! اون منم. خب حالا توقع میره کسی که حجت خدا باشه باید بتونه به تمام گویش‌ها و زبان‌ها صحبت بکنه، ایشون نمی‌تونند صحبت بکنه. چون نمی‌تونن به غیر عربی صحبت بکنه، چی کار کرده؟ ایشون آمده در کتاب‌ها و مبلغینش این پیش از صدتا روایت رو می‌زارن کنار، می‌گن نه، کی گفته از شئونات حجت خداوند هست که باید بتونه به تمام زبان‌ها صحبت بکنه.